

صندوق بین المللی پول و نظام پولی جهان

تألیف:

دکتر یاسر زکی

دکتر هیئتک تجری

دانشگاه اصفهان

۱۳۹۵

- سرشناسه : ترکی، لیلا، ۱۳۵۳-
عنوان و نام پدیدآور : صندوق بین‌المللی پول و نظام پولی جهان / تألیف لیلا ترکی، هوشنگ شجری.
مشخصات نشر : اصفهان: دانشگاه اصفهان، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری : ۳۳۱ ص.: جدول.
فروست : انتشارات دانشگاه اصفهان؛ ۶۴۹
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۰-۱۱۴-۴
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
یادداشت : کتابنامه: ص. ۳۲۸.
یادداشت : نمایه.
موضوع : صندوق بین‌المللی پول
شماره افزوده : شجری، هوشنگ، ۱۳۱۸-
ناشر افزوده : دانشگاه اصفهان
رده بندی کنگره : HG۳۸۸۱/۵:ص ۹۴ ۱۳۹۵
رده بندی دیسی : ۳۳۲/۱۵۱
شماره کتابشناسی : ۴۱۹۵۳۰۲



انتشارات دانشگاه اصفهان

عنوان کتاب: صندوق بین‌المللی پول و نظام پولی جهان
تألیف: دکتر لیلا ترکی، دکتر هوشنگ شجری
ناشر: دانشگاه اصفهان
نوبت چاپ: چاپ اول - بهار ۱۳۹۵
شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
چاپ و صحافی: چاپخانه دانشگاه اصفهان
قیمت: ۱۲۰/۰۰۰ ریال
کلیه حقوق نشر برای ناشر محفوظ است

مراکز فروش کتاب:

اصفهان: میدان آزادی - خیابان دانشگاه - فروشگاه کتاب دانشگاه اصفهان

تلفن: ۳۷۹۳۲۱۷۷ - ۰۳۱ پُست الکترونیکی: entesharat@ui.ac.ir

تهران: میدان انقلاب - خیابان نصرت - خیابان دکتر قریب، نرسیده به خیابان فرصت - پلاک ۷

مؤسسه کتابیران، مرکز پخش کتاب‌های دانشگاهی - تلفن: ۱۵ - ۶۶۵۶۶۵۱۰ - ۰۲۱

پیشگفتار

کتابی که اینک با عنوان «صندوق بین‌المللی پول و نظام پولی جهان» در دست شما است با استفاده از نظریه‌های صاحب‌نظران، اقتصاددان‌ها و متخصصان صندوق بین‌المللی پول به رشته تحریر درآمده است. برای این منظور از اولین اثر به یاد ماندنی خانم مارگارت گریتنس با عنوان صندوق بین‌المللی پول در دنیای در حال تغییر^۱ تا سخنرانی کریستین لاگارد، رئیس صندوق بین‌المللی پول در زمان نگارش این متن استفاده شده است. همچنین در این کتاب سعی شده تا مفاهیم به کار برده شده به دقت تجزیه و تحلیل شود. برای مثال اگر از نظام پایه طلا و یا نظام تثبیت نرخ ارزهای خارجی نام برده شده، این دو نظام با آن سابقه طولانی تاریخی بررسی شده و حتی با نظام ارزی شناور مقایسه می‌شود. این نظریه‌ها بازگو کردن طرح کینز در کنفرانس برتن وودز اکتفا نشده و جزئیات طرح مذکور به دقت و با استفاده از اسناد و منابع بررسی شده است. هدف نهایی، صرف نظر از آشنا کردن دانشجویان و سایر علاقه‌مندان با صندوق بین‌المللی پول ارائه تصویر درست و بی‌غرضانه‌ای از نقش این نهاد پولی و مالی است. حقیقت این است که مؤسسه‌ای از قبیل صندوق بین‌المللی پول با بانک جهانی، گاهی اوقات گرفتار تحلیل‌های افراطی می‌شوند. این افراطیون که اصطلاحاً extremist نامیده می‌شوند، همه چیز را خوب یا بد می‌کنند و تصور درستی از قرار گرفتن در میان این دو ندارند. صندوق هم در چارچوب نظر افراطیون، با خوب و بی‌نقص و یا بد و غیر قابل اصلاح تصویر می‌شود، اما در حقیقت صندوق در میانه این دو قرار گرفته است و نقش این کتاب نشان دادن نقاط قوت در کنار نقاط ضعفی است که می‌توان آن را در بلندمدت و با شناخت کامل صندوق و طرز کار آن، برطرف کرد.

در فصل اول لزوم وجود مؤسسه‌ای که بتواند همکاری‌های پولی بین‌المللی را بعد از جنگ جهانی دوم مجدداً برقرار سازد، تشریح شده است. حقیقت این است که به دنبال کنار گذاشتن پایه طلا در سال ۱۹۳۱ که بر اساس منطق درونی خود به طور خودکار نوعی همکاری پولی در سطوح بین‌المللی به وجود می‌آورد، شکلی از ناسیونالیسم پولی بر اساس رقابت بی‌سرانجام

کشورها که یادآور سیاست بسیار قدیمی مریکانتیلیستی بود به وجود آمد و این امر سطح تولید و تجارت را دچار آسیب فراوان کرد. تلاش کشورها در «برتن وودز» برای بازگرداندن این همکاری در چارچوب ایجاد یک نهاد بین‌المللی بود که می‌باید با سرمایه تمامی کشورهای دنیا به وجود بیاید. در تمامی فصل‌های این کتاب کوشش شده تا چنین نهادی و طرز کار آن نشان داده شود.

این کتاب در سه بخش شامل نخستین چهل سال صندوق در ۱۵ سال پایانی قرن بیستم و ابتدای قرن بیست و یکم و بانک جهانی تدوین شده است. در بخش اول که شامل شش فصل است، نحوه تشکیل کنفرانس برتن وودز، طرح‌های مطرح شده در آن، تشکیل صندوق، هدف‌های اولیه، نظام ارزی پیشنهاد شده صندوق بر اساس برابری ثابت، حق برداشت مخصوص، منابع مالی، بحران‌ها و نگاهی کلی به چهل سال اخیر، بحث و بررسی شده است. در این بخش علاوه بر نظام پولی صندوق، مبانی نظری آنها نیز بررسی و تحلیل شده است. در بخش دوم که فصول هفتم تا یازدهم را پوشش می‌دهد، ابتدا وضعیت صندوق در دهه ۱۹۳۰ بود، معماری مالی صندوق در آن دهه و انواع وام‌ها و اعتبارات صندوق از ابتدا، بررسی شده و سپس در دو فصل ضمن بازگو کردن برنامه‌های این نهاد پولی بین‌المللی در قرن بیست و یکم، نقد برنامه‌ها و اقدامات گذشته آن نیز مطرح شده است. بالاخره در بخش سوم بانک جهانی که به همزاد صندوق معطوف شده چه از نظر ساختار و چه از نظر فعالیت‌ها همراه مبحث تحمل‌پذیری بدهی‌ها، در دو فصل به بررسی انتقادات وارد شده عنوان شده، بررسی شده است.

کوشش شده تا این کتاب که عمدتاً مسایل فنی را پوشش می‌دهد برای خوانندگان خسته کننده نباشد و به علاوه نمای درستی از وضعیت این نهاد که در این روزها هفتاد سالگی خود را پشت سر می‌گذارد به دست بدهد. اطمینان داریم که در آینده با تجدید نظرهایی که بر اساس یثتهدادات و موشکافی‌های دانشجویان و سایر صاحب‌نظران اقتصادی انجام خواهد گرفت، کاستی‌های احتمالی برطرف شده و بر غنای مباحث مطرح شده خواهد افزود.

این را نیز اضافه کنیم که صندوق در قرن ۲۱ باید از طریق اصلاحات اساسی خود را با مقتضیات اقتصادی و اجتماعی جهان هماهنگ سازد. در این قرن تجارت بین‌المللی دنیا با نرخ رشد بالایی در حال افزایش است، ارتباطات مالی بین کشورها دائماً زیاده‌تر می‌شود، هر سال

احتمال پیدایش بحران‌های اقتصادی وجود دارد، جمعیت همچنان رشد می‌کند، محیط زیست در حال تخریب بوده و آلودگی به یک مشکل جهانی تبدیل شده است. تقسیم کشورها به دارا و نادار همچنان یک مشکل جدی است، نیاز کشورهای فقیر هر سال زیادتر می‌شود و سیطره بنگاه‌ها و مؤسسات پولی عظیم و غول‌آسا هر سال افزایش می‌یابد و هم‌زمان اندیشه جهانی شدن دائماً در حال گسترش است.

در چنین دنیایی صندوق نمی‌تواند مانند قرن بیستم به زندگی خود ادامه دهد و به ناچار باید اصلاحات لازم را بر زمینه‌های مختلف بپذیرد. به قول کریستین لاگارد رئیس فعلی صندوق، «ما که از نسل گذشته چیزهای زیادی گرفته‌ایم، چه می‌خواهیم برای نسل آینده بگذاریم؟»

فهرست مطالب

۵	پیشگفتار
۱۷	مقدمه
۲۷	بخش اول: نخستین چهل سال
۲۹	فصل اول: برتن وودز و صندوق
۳۱	۱-۱- مقدمه
۳۲	۱-۲- محیط غیر معمول و سال‌های برنامه‌ریزی
۳۹	۱-۳- طرح کلی
۴۲	۱-۴- طرح کلیت
۴۴	۱-۵- کنفرانس
۴۵	۱-۶- تجربه‌ای در میان‌دوره
۴۷	فصل دوم: هدف‌های اولیه و مجموعه قوانین
۴۹	۲-۱- هدف‌های اولیه
۵۳	۲-۲- مجموعه قوانین راهنما
۵۵	۲-۲-۱- تثبیت نرخ ارز
۶۱	۲-۲-۲- نظام آزاد پرداخت‌های بین‌المللی
۶۱	۲-۲-۳- کمک‌های مالی
۶۳	فصل سوم: صندوق و نظام برابری ثابت
۶۵	۳-۱- ماهیت برابری ثابت
۶۶	۳-۲- مشکلات برقراری سیستم برابری ثابت
۶۶	۳-۳- نرخ‌های متقاطع شکسته و تعلیق برابری ثابت
۶۸	۳-۴- تغییرات ارزش پول در سپتامبر ۱۹۴۹ و مشکلات سال‌های ۵۶-۱۹۵۰
۷۱	۳-۵- سیستم چند نرخ
۷۲	۳-۶- پیاده‌سازی نامه دسامبر ۱۹۴۷
۷۴	۳-۷- گسترش تدریجی چند نرخ ۵۵-۱۹۴۷

- ۷۶..... ۳-۸- تراز خارجی پرداخت‌ها از ۳ دیدگاه
- ۷۸..... ۳-۹- پیشرفت نهایی
- ۸۱..... ۳-۱۰- کاهش محدودیت‌های تجاری و ارزی
- ۸۱..... ۳-۱۰-۱- دوره اول- مسایل و سیاست‌های اولیه (۴۹-۱۹۴۵)
- ۸۳..... ۳-۱۰-۲- دوره دوم- پیشرفت‌های اولیه (۵۴-۱۹۵۰)
- ۸۴..... ۳-۱۰-۳- دوره سوم- پیشرفت (۶۰-۱۹۵۵)
- ۸۶..... ۳-۱۰-۴- دوره چهارم- عصر جدید (۶۵-۱۹۶۱)
- ۸۹..... ۳-۱۰-۵- دوره پنجم- نظریات جدید با گستردگی بیشتر (۶۹-۱۹۶۶)
- ۹۱..... ۳-۱۱- پیشرفت برابری ثابت (۶۰-۱۹۵۷)
- ۹۴..... ۳-۱۲- انتقاد و دفاع از سیستم برابری ثابت
- ۹۵..... ۳-۱۳- نوسان نرخ‌ها در برابری ثابت
- ۹۷..... ۳-۱۴- نرخ‌های شناور و فرم ارزی
- ۱۰۰..... ۳-۱۵- ثبات، هدف نهایی
- ۱۰۵..... فصل چهارم: حق برداشت مخصوص، منابع مالی، بحران‌ها و نقدینگی
- ۱۰۷..... ۴-۱- مقدمه
- ۱۰۸..... ۴-۲- پیدایش و مکانیزم حق برداشت مخصوص (SDR)
- ۱۲۰..... ۴-۳- افزایش کاربرد بیشتر منابع صندوق
- ۱۲۳..... ۴-۴- بحران در نظام برتن وودز و نظام ارزی شناور
- ۱۳۰..... ۴-۵- فرم سیستم
- ۱۳۳..... ۴-۶- ارزیابی برابریهای ثابت و تجربیات نرخ‌های شناور
- ۱۳۶..... ۴-۷- تحولات اقتصاد جهانی
- ۱۳۹..... ۴-۸- تغییر گرایش صندوق به وام‌دهی
- ۱۴۱..... ۴-۹- تکامل تدریجی به عنوان یک سازمان بین‌المللی
- ۱۴۲..... ۴-۱۰- کمیته موقت
- ۱۴۴..... ۱- سیاست اقتصادی

۱۴۵	۲- استفاده از منابع صندوق
۱۴۵	۳- بازنگری سهمیه ها
۱۴۶	۴- نظارت
۱۴۶	۵- حق برداشت مخصوص
۱۴۷	فصل پنجم: صندوق و بحران بدهی ها تا ۱۹۸۵
۱۴۹	۵-۱- مقدمه
۱۵۰	۵-۲- گسترش منابع صندوق
۱۵۳	۵-۳- کشورهای وام دار
۱۵۷	۵-۴- عکس العمل صندوق
۱۵۹	۵-۵- استراتژی تعدیل و تأمین مالی مورد قبول صندوق
۱۶۳	فصل ششم: نگاهی به چهار دهه آغازین
۱۶۵	۶-۱- مقدمه
۱۶۶	۶-۲- تحولات ۱۹۵۲
۱۶۷	۶-۳- ابتکارات دهه ۱۹۶۰
۱۶۹	۶-۴- دگرگونی بعد از ۱۹۷۳
۱۷۰	۶-۵- صندوق و مشکل بدهی ها
۱۷۱	۶-۶- تحول با تداوم
۱۷۳	بخش دوم: صندوق در ۱۵ سال پایانی قرن بیستم و ابتدای قرن بیست و یکم
۱۷۵	فصل هفتم: صندوق در دهه ۱۹۹۰ و معماری مالی
۱۷۷	۷-۱- مقدمه
۱۷۷	۷-۲- وضعیت جدید، شرایط جدید وام دهی و طرح رشد با کیفیت
۱۸۱	۷-۳- نظارت
۱۸۴	۷-۴- وام دهی مشروط
۱۸۷	۷-۵- جهانی شدن IMF
۱۸۸	۷-۶- IMF و Gs

۱۹۰	۷-۷- نقش مسلط گروه ۷
۱۹۱	۷-۸- صندوق و موازین اقتصادی قرن ۲۱
۱۹۲	۷-۸-۱- نقش سیاست‌های نرخ ارز
۱۹۹	۷-۸-۲- هدایت سیاست‌های کلان اقتصادی
۲۰۲	۷-۸-۳- تنظیم و کنترل جریان‌های بین‌المللی سرمایه
۲۰۴	۷-۸-۴- کمک به کشورهای کم درآمد
۲۰۷	فصل هشتم: وام‌ها و اعتبارات صندوق
۲۰۹	۸-۱- مقدمه
۲۱۱	۸-۳- انواع تسهیلات صندوق
۲۱۱	۸-۳-۱- تسهیلات حادی
۲۱۴	۸-۳-۲- تسهیلات مخصوص
۲۱۸	۸-۳-۳- تسهیلات ترجیحی
۲۲۲	۸-۳-۴- سایر تسهیلات
۲۲۵	فصل نهم: نقد صندوق و چالش‌های پیش رو در قرن بیست و یکم
۲۲۷	۹-۱- کمک‌های اجتماعی
۲۲۸	۹-۲- تجارت خارجی آزاد
۲۲۹	۹-۳- تکیه بر لیبرالیسم اقتصادی
۲۳۰	۹-۴- مقررات زدایی و عدم توسل به سیاست‌های کنترل
۲۳۱	۹-۵- نحوه احتساب آرا
۲۳۲	۹-۶- سیاست تثبیت
۲۳۲	۹-۷- وام‌های مشروط
۲۳۵	۹-۸- چالش‌های پیش رو در قرن بیست و یکم
۲۳۹	۹-۹- سنگینی و تحمل پذیری بدهی‌ها در کشورهای کم درآمد
۲۴۰	۹-۹-۱- سنگینی پیش‌بینی شده بدهی‌ها
۲۴۱	۹-۹-۲- تحمل پذیری، آسیب و ریسک بدهی

۲۴۳	بخش سوم: بانک جهانی و تعیین آستانه بدهی‌ها.
۲۴۵	فصل دهم: ساختار و فعالیت‌های بانک جهانی
۲۴۷	۱-۱- مقدمه
۲۴۷	۱-۲- ساختار بانک جهانی
۲۴۸	۱-۲-۱- بانک بین‌المللی توسعه و ترمیم
۲۵۰	۱-۲-۲- مجمع بین‌المللی توسعه IDA
۲۵۱	۱-۲-۳- شرکت مالی بین‌المللی IFC
۲۵۱	۱-۲-۴- مرکز بین‌المللی تسویه دعاوی سرمایه‌گذاری ICSID
۲۵۲	۱-۲-۵- آژانس بین‌المللی ضمانت سرمایه‌گذاری چند جانبه MICA
۲۵۳	۱-۳- فعالیت‌های بانک جهانی
۲۵۳	۱-۳-۱- دوره اول (۶۸-۱۶۲)
۲۵۴	۱-۳-۲- دوره دوم (۸۰-۱۶۲۸)
۲۵۴	۱-۳-۳- دوره سوم (۸۹-۱۹۸۰)
۲۵۵	۱-۳-۴- دوره چهارم (۱۹۸۹-)
۲۵۹	۱-۴- رابطه ایران و بانک جهانی
۲۶۱	فصل یازدهم: تحلیل شاخص‌های تعیین‌کننده تحمل پذیری بدهی‌ها
۲۶۳	۱-۱۱- مقدمه
۲۶۴	۲-۱۱- هدف‌ها
۲۶۶	۳-۱۱- عناصر اصلی چارچوب تحمل‌پذیری بدهی‌های LICs
۲۶۷	۴-۱۱- مفهوم، اهمیت و نحوه اندازه‌گیری CPIA
۲۶۸	۱-۴-۱۱- نحوه اندازه‌گیری CPIA
۲۶۸	۵-۱۱- چگونگی ارزیابی کشورها
۲۶۹	۱-۵-۱۱- گروه اول- مدیریت اقتصاد
۲۷۲	۲-۵-۱۱- گروه دوم- سیاست‌های ساختاری
۲۷۵	۳-۵-۱۱- گروه سوم- سیاست‌های امور اجتماعی/برابری

۲۷۹	۱۱-۵-۴- گروه چهارم- مدیریت بخش عمومی و نهادها
۲۸۳	۱۱-۶- بازبینی CPIA بر اساس نظریات خارج از بانک
۲۸۵	۱۱-۷- CPIA و توزیع منابع IDA
۲۸۵	۱۱-۸- مراحل اجرایی
۲۸۶	۱۱-۹- روشنگری
۲۸۷	۱۱-۱۰- طبقه بندی کشورها
۲۹۱	پیوست‌ها
۲۹۱	پیوست ۱
۲۹۱	رویداد نگاری (۶۵-۶-۱۹۹۰)
۲۹۴	رویداد نگاری ۷۸-۶۶
۳۰۴	رویداد نگاری ۸۵-۱۹۷۹
۳۱۲	رویداد نگاری ۱۹۹۱-۱۹۹۹
۳۱۵	پیوست ۲
۳۱۷	پیوست ۳
۳۱۹	منابع
۳۲۰	نمایه

ما باید کاری را انجام دهیم که انجامش خیلی مشکل است.

کینز در کنفرانس برتن وودز

مقدمه

کتابی که در دست دارید با معاهده برتن وودز آغاز می‌شود. معاهده‌ای که به تأسیس صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی منجر شد. دو سازمان پولی و مالی که در طول زمان آراء و نظریات گوناگون و تضادهای را به وجود آورده‌اند. برخی آن را انتقاد کرده و ابزاری در دست کشورهای صنعتی بزرگ به خصوص آمریکا می‌دانند و برخی دیگر آن را پدیده بزرگ قرن بیستم قلمداد می‌کنند، ولی به هر حال و اندرچیز تمامی کشورهای جهان و در حال حاضر ۱۸۸ کشور اعم از منتقد و غیر منتقد عضو آن و بانک جهانی، این دو قلوهای برتن وودز هستند. جالب اینجاست که بزودی شاهد ورود کوبا به این ربهاد خواهیم بود و بدین ترتیب سواى چند کشور کوچک و تشریفاتی مثل موناکو و لیختن اشتاین، فقط کره شمالی است که جدا مانده است و در آینده نیز فقط و در صورت وحدت دو کره، همزادها شاهد بر شدن یکی از اعضای خود؛ یعنی کره جنوبی خواهند بود.

اما موفقیت کنفرانس ابتدا مورد تردید بود. دلایل این تردید بسیار بودند. ترکیب ناهمگن کشورهای شرکت کننده و اکثراً آسیب دیده از جنگ جهانی دوم، سیستم نامنظمی که در خلال دو جنگ به وجود آمده بود، تمایلات ناسیونالیستی و وجود دو طرح کاملاً متفاوت از طرف آمریکا و انگلستان همه و همه می‌توانستند زمینه‌های ناکامی کنفرانس را به وجود آورند. اما یک نکته اساسی دامنه این تردیدها را محدود و خود آنها را کم رنگ می‌کرد و آن سابقه تلخ عدم توافق و نبود همکاری کشورها در سال‌های بین دو جنگ جهانی بود که آن همه مشکلات را به وجود آورده بود. یکی از آن مشکلات، بحران بزرگ ۳۳-۱۹۲۹ بود که آثار آن در بعضی کشورهای اروپایی تا سال‌های منتهی به ۱۹۳۸ نیز وجود داشت و دیگری سیاست‌های نئومرکانتیلیستی بین ۱۹۳۳ تا زمان جنگ بود که منافع ملی را نه در چارچوب منافع بین‌المللی، بلکه به قیمت سیاست «گدا کردن همسایگان» می‌خواست. به هر حال کشورهای شرکت کننده درس خوبی از این دو واقعه گرفته

بودند. به خصوص که تجربه جنگ اول هنوز در افکار مقام‌های رسمی‌تر و تازه بود و به همین دلیل آنها می‌خواستند از تکرار معاهده ورسای که بعد از جنگ جهانی اول تنش‌های سیاسی و اقتصادی زیادی به وجود آورده بود جلوگیری کنند.

حقیقت این بود که بعد از جنگ جهانی اول، انگلستان مبالغ زیادی به آمریکا بدهکار شده بود بدون اینکه قادر به بازپرداخت آن باشد. انگلستان نیز در خلال جنگ برای حمایت از متحدان خود، به خصوص فرانسه، متحمل مخارج سنگینی شده بود که آنها نیز قادر به بازپرداخت بدهی‌های ناشی از آن مخارج نبودند. معاهده ورسای در واقع تمامی این هزینه‌ها را به آلمان شکست خورده در جنگ تحمیل کرد. امری که غیر عملی بودن آن از پیش مشخص بود. بنابراین موضوع بازپرداخت بدهی‌ها همچنان به صورت مچاله باقی ماند و در نتیجه دارایی‌های زیادی در ترازنامه بین‌المللی بانک‌ها بدون پوشش پشت‌بانی می‌ماندند.^۱ موضوعی که در بحران بزرگ ۳۲-۱۹۲۹ به اوج خود رسید. بنابراین می‌توان گفت که اگر بافشاری سخت گیرانه کشورهای بستانکار برای دریافت بدهی‌های ناشی از جنگ که غرامت‌های جنگ نیز به آن اضافه گشته بود، به شکست سیستم مالی بین‌المللی و ایجاد رکود بزرگ جهانی منجر شد. سیاست مشهور به «گدا کردن همسایه»^۲ که به دنبال بحران ظاهر شد به کاهش قابل توجه ارزش خارجی پول کشورهای با هدف افزایش رقابت در بازارهای جهان منجر شد. این سیاست انبساطی اگرچه تا اندازه‌ای بعضی فشارهای رکودی را خنثی کند ولی قابل دوام نبود، زیرا هرج و مرج پولی ناشی از رقابت در کاهش ارزش خارجی پول که از طریق سفته بازی‌های سنگین در جابجایی‌های سرمایه نیز تشدید می‌شد، نهایتاً تحمل ناپذیری را در سیستم پولی بین‌المللی به وجود آورده بود. به علاوه تداوم سیاست‌های انقباضی با ایجاد تضاد منافع دو جانبه کشورها، روز بروز دشوارتر می‌شد و بدین ترتیب سیاست‌های مبتنی بر افزایش صادرات با مشکل مواجه می‌گردید، به خصوص که کوشش بانک‌های مرکزی برای عادی کردن اوضاع از طریق تماس‌های متعدد هم نتیجه بخش نبود.

۱. در واقع در ستون دارایی ترازنامه بانک‌ها، اقلام عظیمی به صورت وام‌های پرداختی و یا سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار وجود داشت که جمع دارایی بانک‌ها را افزایش می‌داد. اما چون امکان بازپرداخت این وام‌ها وجود نداشت، دارایی‌ها عملاً پوشش پشتوانه‌ای خود را از دست می‌دادند.

۲. این سیاست به سیاست «صدور بیکاری» نیز معروف است.

این تجربه باعث شده بود که شرکت کنندگان در کنفرانس برتن وودز به خصوص آمریکا و انگلستان درصدد یافتن تفاهمی بودند که دنیا را گرفتار الگوی بین دو جنگ نکند. البته مشکلات آمریکا و انگلستان کاملاً با یکدیگر متفاوت بود. ترس آمریکا از این بود که با خاتمه جنگ و کاهش مخارج جنگی همان بحران بیکاری قبل از جنگ مجدداً ایجاد شود و بنابراین مدافع سرسخت تجارت آزاد و قابلیت تبدیل پول کشورها به طلا یا دلار بود. برعکس انگلستان نگران بدهی‌های سنگین بعد از جنگ (درست مشابه سال‌های خاتمه جنگ اول) بود و بنابراین خواهان نظامی بود که بر اساس آن بتواند از اعتبارات کشورهای بستانکار (عمدتاً آمریکا) استفاده کند. در واقع طرح کنفرانس انگلستان در کنفرانس، مبتنی بر این امر بود که کشورهای بستانکار یا باید از کشورهای بدکار کالا وارد کنند، یا در کشورهای بدهکار سرمایه‌گذاری کنند و یا اعتبارات بلندمدت و ارزی را اختیار کشورهای بدهکار قرار دهند. آمریکا مخالف این امر بود و وایت نماینده آن کشور یا منافع متعارف‌خواه داری آمریکا طرح کینز را رد کرد. این موضوع ممکن بود کنفرانس را با شکست روبه‌رو کند، بی‌ترس از عواقب تلخ یک عدم توافق آنها را به هم نزدیک می‌کرد. به هر حال وایت ایجاد صندوقی پیشنهاد می‌کرد که بتواند از طرفی اعتبارات کافی در اختیار کشورهای بدهکار قرار دهد و از طرف دیگر با تثبیت نرخ ارزها بتواند جلوی جریان‌ات سفته‌بازانه، به خصوص در بخش سرمایه را بگیرد. بنابراین طراح کینز که در جستجوی انگیزه‌ای برای کمک آمریکا به انگلستان و سایر کشورهای اروپایی بود، با شکست روبه‌رو شد و طرح پیشنهادی وایت بر اساس ایجاد صندوق بین‌المللی پول با ایجاد ذخیره‌ای حدوداً از طلا و پول‌های ملی تمامی کشورهای عضو مورد قبول قرار گرفت. بدین ترتیب کاری که به تعفّن از انجامش خیلی مشکل بود به انجام رسید و صندوق با سرمایه اولیه ۸/۸ میلیارد دلار از محل سهم کشورهای عضو به‌وجود آمد.

صندوق کار خود را آغاز کرد، ولی مباحث ادامه یافت. در ابتدا به نظر می‌رسید که مشکل خاصی وجود ندارد. به خصوص که در دوره اول (۶۰-۱۹۴۴)، علیرغم ناکافی بودن منابع و مشکلات در ایجاد برابری ثابت، صندوق در جهت هدف‌های اولیه خود حرکت می‌کرد. این هدف‌ها عمدتاً بر مباشرت در سیستم پولی بین‌المللی برای اطمینان از برقراری تثبیت نرخ‌های ارز و تشویق اعضا به برداشتن محدودیت‌های ارزی و تجاری متمرکز بود. در مورد تثبیت و یا ایجاد برابری‌های ثابت، طلا و دلار هر دو مبنای قرار گرفت، ولی ناکافی بودن ذخایر طلا در بانک‌های

مرکزی کشورهای عضو به هر حال کفه دلار را سنگین‌تر می‌کرد. در واقع هر کشور موظف بود برابری پول خود به دلار آمریکا را اعلام کند، بدون اینکه بدون اجازه صندوق حق تغییر بیشتر از $\pm 1\%$ آن برابری را داشته باشد. بر این اساس بانک‌های مرکزی کشورهای عضو ناچار از نگهداری ذخایر پولی خود به دلار بودند تا بتوانند با اتکای به آن ذخایر، برابری ثابت پول خود به دلار را در عمل برقرار سازند. آمریکا نیز با اتکا به ذخایر طلای چشم‌گیر خود و برای ایجاد اطمینان در کشورهای عضو، ذخایر دلاری بانک‌های مرکزی آن کشورها را در برابری ثابت هر اونس طلا معادل ۳۵ دلار تضمین و قابل تبدیل اعلام کرد. البته این قابلیت تبدیل فقط منحصر به ذخایر ارزی بانک‌های مرکز کشورهای عضو بود و سایر دلارهای پراکنده در جهان را در بر نمی‌گرفت و همین امر بعدها مشکلات زیادی را ایجاد کرد، زیرا دلار را در مقابل طلا در دو موقعیت متفاوت قرار می‌داد. البته در ابتدا شکل خاصی وجود نداشت، زیرا دلار با اتکا به استحکام تراز خارجی پرداخت‌های آمریکا، جذاب بودن دلار برای سفته‌بازهای ارزی و ذخایر عظیم طلای آمریکای بعد از جنگ دوم، در بازار آزاد طلا نه تنها به نرخ رسمی مبادله می‌شد. این دوره (۶۰-۱۹۴۴) بود که آمریکایی‌ها با غرور اعلام می‌کردند: «این دلار بیست که قابل تبدیل به طلاست، بلکه این طلاست که قابل تبدیل به دلار می‌باشد» (مشکوه، ۱۳۱۲).

اما وضعیت بالا دیری نپایید. از همان ابتدا نیز، بیاری از کشورهای در حال توسعه قادر به تثبیت نرخ دلار در قیمت‌های رسمی اعلام شده نبودند و دامنه نوسانهای نرخ دلار، این کشورها را در چارچوب دو نرخی، سه نرخی و به طور کلی چند نرخی قرار می‌داد. موضوعی که از همان ابتدا با موازین اعلام شده صندوق مغایرت داشت.^۱ در کشورهای صنعتی عمده، برای مثال فرانسه نیز از همان ابتدا در این مورد گرفتار مشکلات زیادی شد، تا جایی که در سال ۱۹۴۸، عضویت آن کشور در صندوق به حالت تعلیق درآمد. اما موضوع با اهمیت‌تر این بود که کشورهای اروپایی و ژاپن با شیبی تند، خرابی‌های ناشی از جنگ دوم را بازسازی کردند و در این امر ممنوعیت آلمان و ژاپن از

۱ نمونه بسیار روشن این موضوع ایران بود. در حالی که ایران در سال ۱۳۲۴ با عضویت در صندوق، برابری ثابت پول خود را به دلار ۲۲/۵ ریال اعلام کرده بود، از سال ۱۳۲۵ با بروز مجدد فشارهای تورمی و افزایش تقاضای دلار در بازار، با ایجاد گواهی نامه‌های ارزی عملاً و نه به طور رسمی دارای نظام چند نرخی شد. در واقع بهای گواهی نامه‌های ارزی که در اختیار صادر کنندگان قرار می‌گرفت و وارد کنندگان برای اخذ مجوز واردات ملزم به ارایه آن بودند، عملاً به نرخ رسمی ارز اضافه می‌شد. برای اطلاع بیشتر مراجعه کنید به «هوشنگ شجری، تجربیات پولی ایران، نشر سپهر ۱۳۵۱».

داشتن ارتش‌های نیرومند و وسیع که باعث کاهش بودجه‌های دفاعی و نظامی می‌شد، نقش بسزایی داشت و این کشورها را قادر می‌ساخت که ساختارهای آسیب دیده خود را بعد از جنگ جهانی دوم سریع‌تر ترمیم کنند. بدین ترتیب آمریکا به تدریج از صورت یک قدرت بلا منازع در جهان خارج شد و این امر به خصوص در تراز پرداخت‌های آمریکا به تدریج منعکس می‌شد، تا جایی که برای اولین بار در سال ۱۹۶۰ این تراز منفی گردید. همین امر سفته‌بازهای ارزی را برای اولین بار بعد از جنگ جهانی به طرف طلا کشاند و زمانی که اتحادیه طلا ایجاد شده در سال ۱۹۶۱ نتوانست نرخ طلا را تثبیت کند، قیمت طلا در بازار آزاد افزایش یافت. بدین ترتیب از یک طرف طلا عملاً دو نرخی شد و از طرف دیگر خطرات نگهداری ذخایر ارزی با یک پول هر چند قوی، برای کشورها آشکار شد.

در مورد اول این خطرات وجود داشت که بانک‌های مرکزی کشورهای عضو دلارهای ذخیره‌ای خود را بر اساس تعهد آمریکا با نرخ ۳۵ دلار در هر اونس به طلا تبدیل کنند و سپس طلای خریداری شده را در بازار آزاد به نرخی بالاتر به فروش برسانند. این امر ذخایر طلای آمریکا را در معرض خطر جدی قرار می‌داد. بنابراین، عملاً قابل پیش بینی بود که آمریکا در آینده‌ای نه چندان دور تعهد خود مبنی بر تبدیل دلار به طلا به ندرت انجام خواهد داد (کاری که بالاخره در سال ۱۹۷۱ آمریکا ناچار از انجام آن شد).

در مورد خطر دوم موضوع جدی‌تر بود. اگر به دلایل چهارگانه کاهش ارزش شود، ارزش واقعی دارایی‌های ذخیره شده نیز کاهش یافته و کشور را با کاهش قدرت خرید مواجه خواهد ساخت. این خطر جهانیان را به یاد پیشنهاد کینز در تقویت بودز انداخت، چرا که طرح نامبرده بر اساس ایجاد یک پول ذخیره‌ای مستقل به نام بانک جهانی بود که در چارچوب اتاق پایاپای بین‌المللی به وجود آمده و در بلندمدت مستقل از پول کشوری خاص و یا حتی طلا می‌گردید. به همین دلیل بعد از ۱۹۶۰ رابرت تریفین^۲ و بعضی دیگر به خاطر عدم پذیرش طرح کینز افسوس می‌خوردند و این امر در دوره دوم حیات صندوق (۷۳-۱۹۶۰) بود. حتی در زمینه تعادل تراز پرداخت‌ها که هدف اصلی صندوق بود طرح کینز بدون اینکه واقع بینانه باشد علمی‌تر بود، زیرا بر اساس طرح او هم کشورهای بستانکار و هم کشورهای بدهکار ملزم به تغییر سیاست‌های خود

1. Bancor

2. Robert Triffin

بودند و بدین ترتیب سیاست‌های انقباضی کشورهای بدهکار با سیاست‌های انبساطی کشورهای مازاددار همزمان شده و اتوماتیزم پایه طلا در چارچوب اتاق پایاپای بین‌المللی تکرار می‌شد. به عبارت دیگر برای ایجاد تعادل تراز پرداخت‌ها کشورهای مازاددار باید الزاماً واردات خود را افزایش دهند و در صورت لزوم مازاد خود را در کشورهای بدهکار سرمایه‌گذاری کنند، ولی آمریکا مانند تمام کشورهای بستانکار می‌خواست در نقش یک قدرت اقتصادی، آن وضعیت را تداوم بخشد و به همین دلیل از تعهدات یک جانبه کشورهای بدهکار جانبداری می‌کرد. در حقیقت این موضوع فراهم‌شده بود که کشورهای بستانکار نیز روزی ممکن است به صورت کشورهای بدهکار درآیند. اگر تعهدات دو جانبه اجرا می‌شد و کسری‌ها به سمت تعادل متمایل می‌شدند، دیگر نیازی به آزمایش و اعتراف برای جبران کسری کشورهای کسردار نبود و اتاق پایاپای پیشنهادی کینز در چارچوب منابع موجود خود می‌توانست حداکثر کارایی را داشته باشد، ولی تعهد یک جانبه کشورهای بدهکار را اساس طرح وایت می‌توانست به طور مدام بر کسری کشورهای کسردار بیافزاید. بدیهی است تأمین مالی خنثی کسری‌های انباشته‌ای نیاز به منابعی داشت که در اختیار صندوق نبود و حتی ۹ بار افزایش سرمایه‌ها بر خازن عمر صندوق نیز نتوانست این منابع را به حد کفایت برساند. بنابراین در همین دوره (۷۳-۱۹۷۰) موضوع «حق برداشت مخصوص» (SDR) پس از بحث‌های زیاد و کسل‌کننده^۱ که در حدود ۶ سال به طول انجامید با دو هدف قابل درک به‌وجود آمد:

- ۱- تأمین نقدینگی بین‌المللی از طریق یک سبد پولی و نه دلار؛
 - ۲- ایجاد یک پول ذخیره بین‌المللی که بتواند در بلندمدت جایگزین دلار شود.
- اما فشار روی دلار هم به خاطر رشد کسری تراز پرداخت‌های آمریکا و هم به خاطر وسعت بازار دلارهای اروپایی^۲ افزایش می‌یافت و تصمیم‌های گرفته شده در کنفرانس اسمیتسونین مبنی بر کاهش ارزش دلار و انعطاف پذیرتر کردن نظام تثبیت نظام برابری ثابت را نجات دهد و آزاد گذاشتن کشورها در انتخاب نظام ارزی (شناور و یا تثبیت شده) عملاً یکی از ارکان صندوق را

۱. برای آشنایی بیشتر با این مباحث به کتاب «سیستم پولی بین‌المللی» تألیف دکتر سید محمد مشکوة مراجعه فرمایید.

۲. برای اطلاع بیشتر از بازار دلارهای اروپایی رجوع کنید به «مالیه بین‌الملل و سیر تحولات ارزی» تألیف هوشنگ شمیری و خدیجه نصراللهی.

فرو ریخت.^۱ بدین ترتیب با برقراری نظام شناور ارزی نیاز به حق برداشت مخصوص (SDR) برای استفاده از منابع اضافی برای تثبیت پول‌ها از میان رفت. اما نقش آن به عنوان واحد پولی جدید صندوق همچنان باقی ماند بدون اینکه بتواند در مسیر رشد خود در نقش یک پول بین‌المللی، جایگزین دلار و یا سایر ارزهایی شود که به تدریج خاصیت ذخیره‌ای پیدا می‌کردند.

در دوره بعد (۸۱-۱۹۷۳) دو شوک نفتی سال‌های ۱۹۷۳ و ۱۹۷۹ مسایل و مشکلات جدیدی برای صندوق به وجود آورد. کشورهای زیادی به کمک صندوق برای روبرو شدن با مشکلات جدید نیازمند بودند. کسری تراز پرداخت‌ها در بسیاری از کشورها ابعاد تازه‌ای می‌یافت و انواع جدیدی از وام‌ها، اعتبارات و یا حتی کمک‌های صندوق مورد نیاز بود. اما مسأله بسیار با اهمیت این بود که نظام شناور علیرغم پیش‌بینی‌های خوش‌بینانه حتی در کشورهای صنعتی نتوانست تراز خارجی پرداخت کشورها را متعادل کند. این امر نشان داد که نظام شناور نمی‌تواند صرفاً بر اساس منطق درونی خود (انگیزه‌های منافع ملی) متعادل کننده باشد و بدین ترتیب مداخلات بانک‌های مرکزی در بازارهای ارز آغاز شد و سیستم را به طرف شناور مدیریت شده سوق داد. در این سیستم بانک‌های مرکزی بدون اینکه به تثبیت نرخ ارز در مقابل صندوق متعهد باشند، برای جلوگیری از نوسان‌های پی‌در پی نرخ ارزهای خارجی یا مستقیماً از طریق ایجاد عرضه و تقاضا در بازار و یا غیر مستقیم از طریق تغییرات نرخ‌های بهره و یا سایر متغیرهای پولی مداخلات خود را در بازار ارز آغاز کردند. موضوع دیگر در این دوره افزایش تدریجی نرخ ارز کشورهای در حال توسعه به خصوص کشورهای نفت خیز در صندوق بود که اگر چه برای کردن تصمیم‌های صندوق کافی نبود، ولی می‌توانست طلعه‌ای برای مناسب‌تر کردن تصمیم‌های هیأت اجرایی در جهت منافع کشورهای فقیرتر باشد.

در دوره ۸۹-۱۹۸۲، عوامل مختلفی از جمله شوک‌های نفتی به قروض بین‌المللی بیشتری منجر شد. این قروض و بهره آنها، مشکلات حادی را ایجاد کرد که به «بحران بدهی در کشورهای جهان سوم» معروف شد. این موضوع نشان داد که منابع صندوق علیرغم چندین بار افزایش برای تأمین مالی کسری تراز پرداخت‌های کشورهای عضو کافی نیست. به علاوه، به تدریج موضوع رشد با کیفیت بالا به طوری که بتواند زندگی مردم را بدون آسیب‌های زیاد به محیط زیست و آلودگی

۱. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به: «انگلستان و نظام پولی جهان» تألیف برینلی دیویس (ترجمه اکبر کرمانیان).

تغییر دهد، وارد ادبیات صندوق شد و کشورهای نیازمند به کمک به طور جدی تری مطرح شدند. تمامی این موارد منابع مالی تازه‌ای را ایجاد می‌کرد و این امر ایجاد، بسط و توسعه قرارداد عمومی وام (GAB)^۱ را به دنبال داشت که به صندوق اجازه می‌داد تا منابع اضافی از محل وام بعضی از کشورها را مورد بررسی قرار دهد. بر این اساس صندوق می‌توانست واسطه بین کشورهای برخودار از افزایش بهای نفت خام (مثل عربستان سعودی) و کشورهای نادار و مقروض (مانند اکثر کشورهای آفریقایی) باشد.

اما دوره ۲۰۰۸-۱۹۹۰، به راستی یکی از چالش‌برانگیزترین دوره‌ها در تاریخ موجودیت صندوق بود. زیرا از طرفی با فروپاشی نظام کمونیستی در شوروی و جدا شدن ۱۵ جمهوری از این کشور و برقراری نظام‌های سیاسی و اقتصادی جدید در کشورهای اروپای شرقی و عضویت تمام این کشورها قلمرو صندوق و دسترس کم نظیری یافت به طوری که تقریباً تمامی جهان را شامل شد. از طرف دیگر با شفافیت کار صندوق، اسناد این مؤسسه مالی جهانی در معرض دید همگان قرار گرفت. باید در نظر داشت که ببل ار این دوره، محرمانه بودن بسیاری از روابط و رایزنی‌های صندوق مورد انتقاد بسیاری از صاحب‌نظران و به خصوص منتقدان صندوق بود. آنها بر این عقیده بودند که تصمیم‌های صندوق در پس پرده و در اختفای کامل گرفته می‌شود و سپس طوری اعلام می‌گردد که گویی نظر همگان بوده است. بنابراین شفافیت کار صندوق اگر چه بر اساس بعضی از نظریات صندوق را بی‌حفاظ کرد، ولی به‌رحال مورد استقبال قرار نگرفت.

در این دوره بحران مالی آسیا در سال‌های ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ به اوج خود رسید و این امر ایجاد می‌کرد که صندوق بتواند دامنه عمل وسیع‌تری داشته باشد تا بتواند به حل مشکلات در دوره‌های بحران کمک کند و ریشه‌های توجه به گروه ۲۰ و نه صرفاً گروه ۷ را بپذیرد. همین امر جستجو کرد. حقیقت این است که صندوق تا این زمان معمولاً و تا حدودی از روی الزام تصمیم‌های خود را با گروه ۷ هماهنگ می‌کرد و این امر مشکلات زیادی به وجود می‌آورد، زیرا عملاً قدرت‌های اقتصادی جدید و نوظهور، خارج از مدار تصمیم‌گیری قرار می‌گرفتند. در اینجا برای مثال می‌توانیم از چین نام ببریم. در شرایط فعلی این کشور با مازاد تراز پرداخت‌ها حتی در چارچوب اساسنامه صندوق و اصلاحات بعدی آن این توانایی را دارد تا سیاست نئومرکانتیلیستی خود را اجرا کند و

سیاست ذخیره‌سازی آن به قیمت عدم تعادل جهانی بسط و توسعه یابد. در چنین شرایطی و در غیاب اختیارات صندوق برای برقراری تعهد دو جانبه کشورها (تعبیری که کینز در کنفرانس برتن وودز به کار می‌برد) فقط از طریق رایزنی می‌توان آن کشور را به تغییر برابری پول خود متقاعد کرد. بدیهی است برای این منظور دیگر گروه ۷ کافی نبوده و گروه ۲۰ هم باید در مسیر رایزنی‌ها و تصمیم‌ها قرار گیرد. صرف نظر از این موضوع گروه ۲۰ به خاطر قلمرو وسیع، توان اقتصادی و نفوذ سیاسی خود می‌تواند صندوق را به اتخاذ سیاست‌هایی در جهت کاهش فقر و یا غلبه بر بحران‌ها تشویق کند. چنانچه بالاخره گروه ۲۰ صندوق را به فروش بخشی از طلای خود به نفع کشورهای فقیر تشویق کرد و در شش خود در لندن در سال (۲۰۰۹) برای ایجاد رونق در اقتصاد دنیا ۲۵۰ میلیارد دلار در نظر گرفت و کشورهای ثروتمند را به تأمین آن تشویق نمود.

در این دوره موضوع دیگری نیز وارد ادبیات صندوق شد و آن مسایل سیاسی و زیست محیطی بود که به نحو جدی‌تری در خارج و ب تصمیم‌های صندوق مطرح شد. برای مثال می‌توانیم از کاهش فسادهای دولتی در سیستم مالی، کاستن از مخارج نظامی، جلوگیری از قطع درختان جنگلی، کاهش آلودگی و بازسازی اساسی سیستم‌های مالی یاد کنیم که جزو معیارهای برخورداری از اعتبارات صندوق قرار گرفتند. در مجموع می‌توان گفت که موضوع رشد با کیفیت بالا به نحو جدی‌تری مطرح شد. در این مورد کافی است به نظریه مدیر عامل صندوق در سال ۱۹۹۶ توجه کنیم که ابعاد رشد مداوم و با کیفیت را در تثبیت اقتصادی در سطح کلان، تأمین منافع تمامی بخش‌های جامعه، احترام به فرهنگ ملی و آزادی‌های سیاسی دانسته و آن را اعلام کرد (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۱۵).

در دوره پایانی، بحران دوره ۲۰۰۸ به بعد یکی از چالش برانگیزترین دوره‌ها در حیات صندوق بین‌المللی پول بوده است بحرانی که از هنگام رکود بزرگ ۲۳-۱۹۲۹ تا به امروز سابقه نداشته است. این بحران از آمریکا آغاز شده و به تدریج سایر کشورهای صنعتی را نیز در بر گرفت. البته کشورهای در حال توسعه نیز از این رکود آسیب زیادی دیدند. همین امر صندوق را وادار کرد تا از طریق افزایش میزان وام، گسترده‌تر کردن آنها، کمک به فقیرترین کشورها و توصیه‌های سیاستی، درصد برآید تا از تمامی کشورهای عضو حمایت کند. مهمتر از همه این که صندوق کار با گروه ۲۰ و کشورهای نوظهور را افزایش داد. بدین ترتیب صندوق توانست هم از طریق افزایش سهمیه‌ها و هم از طریق وام از سایر کشورها منابع خود را بالا برده و بتواند میزان وام‌های ترجیحی را تا ۴ برابر

افزایش دهد و جمع وام‌های خود را در دوره بحران به ۶۰۰ میلیارد دلار برساند (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۱۵). ایجاد خط اعتباری انعطاف پذیر (FCL)^۱ در سال ۲۰۰۹، خط نقدینگی و احتیاطی (PLL)^۲ در سال ۲۰۱۰ و هم زمان تخصیص ۲۵۰ میلیارد SDR که بخشی از آن به کشورهای فقیر اختصاص یافت توانست بخشی از نیاز کشورهای بحران زده را برطرف سازد. اما هیچکدام از این اقدامات نتوانست بحران مالی اخیر را کنترل کند و همین امر مباحث زیادی را در مورد صندوق و نقش آن در کنترل بحران‌های مالی مطرح کرد. به همین دلیل در نشست‌های مختلف هیأت اجرایی صندوق و حتی گروه ۲۰ این موضوع مورد تأکید قرار گرفت که منابع صندوق حتی در صورت گسترش نیز نمی‌توانند بحران‌های مالی با چنین وسعتی را مهار سازند و برای این امر باید بتوان سیستم‌های پیشگیری از بحران را که به (EWS)^۳ معروف هستند عملیاتی کرد تا صندوق بتواند به موقع وارد عمل شود. این موضوع به همراه طرح همکاری بیشتر با اقتصادهای نوظهور^۴ و افزایش دامنه نفوذ کشورهای در حال توسعه از سایلی بودند که طول دوره بحران در نشست‌های مختلف هیأت اجرایی گروه ۲۰ و گروه ۲۰۰۰ مورد بحث قرار گرفت.

1. Flexible Credit Line

2. Precautionary and Liquidity Line

3. Early Warning System

۴. اقتصادهایی که دیگر توسعه نیافته نیستند، ولی هنوز جزو کشورهای توسعه یافته محسوب نمی‌شوند.